کاشانه
سبک زندگی و خانواده ۸۸۵۳۳۰۶۰

نیره سازی
پرونده
چالش‌های فرزندآوری

سیده‌رقیه آذرنگ، مؤلف و پژوهشگر حوزه زنان:

اعتقاد به رزق و روزی فرزندان نگاهی فراتر از خورد و خوراک و پوشاک است

آیا فرزندآوری ارتباط مستقیم با وضع معیشتی دارد؟! این شاید پرسامد ترین گزاره حوزه جمعیت مخصوصا طی چند سال اخیر در ادبیات تصمیم‌سازان و تصمیم‌گیران کشورمان بوده است که پاسخ‌های متعددی به آن داده می‌شود، حداقل «حساس به مردم این است که چنین گزاره‌ای صحیح است و اگر وضع معیشتی خوب باشد، فرزندآوری تسهیل می‌شود. البته بی‌توجهی افراد متمول به فرزندآوری تقیضی بر رد این گزاره است. در خصوص موضوع فرزندآوری با سیده‌رقیه آذرنگ، مؤلف و پژوهشگر حوزه زنان به گفت‌وگو نشستیم.

خیلی‌ها معتقدند کاهش فرزندآوری به مشکلات اقتصادی برمی‌گردد. در این صورت پس چرا تمایل به فرزندآوری در قشر مرفه یا پایین است؟

نمی‌شود منکر نقش اقتصاد بر افزایش یا کاهش فرزندآوری باشیم، در عین حال اگر همه چیز را از نقش اقتصاد ببینیم، به نظرم داده‌ای اشتباه خواهد داد چرا که نتایج پژوهش‌های مختلف طی سال‌های اخیر نشان می‌دهد تمایل یا عدم تمایل افراد به فرزندآوری را باید فراتر از مسائل اقتصادی مورد بررسی قرار داد، بنابراین همین نتیجه، نظریه یک عامل بودن «اقتصادی» مرا لم فرزندآوری را رد می‌کند. دلیل فرزند کمتر در قشر مرفه را می‌توان در عوامل بی‌شماری بررسی کرد که شاید بشود گفت از مهم‌ترین عوامل این اتفاق یکی نگاه خانواده‌ها به چرخه فرزندان در دهه ۶۰ بود که بالاترین نرخ فرزندآوری را در کشورمان شاهد بودیم و طبق آمار ثبت احوال کشور همین دهه با بیکاری و عدم ازدواج مواجه بودند، بنابراین در دهه‌های بعد کم‌کم وارد مهم‌ترین محور تصمیم خانواده‌ها به فرزند کمتر شدیم که اکنون قشر مرفه نیز تصمیمش به فرزند کمتر و رفاه بیشتر است. دوم اینکه تقلید یک سبک تفکر غربی که فقط مختص قشر مرفه است در برخی خانواده‌ها در پایه فرزند کمتر شکل گرفت، اما اکنون خود غربی‌ها این موضوع‌ها را نمی‌پسندند و با توجه به آموزش و حمایت دولت‌ها در سطوح مرفه و پایین جامعه‌شان در حال فرزندآوری هستند و در همه جا فرزندان را با خود به همراه دارند که ما می‌توانیم برای مثال به تعداد فرزندان فوتبالیست‌های مرفه و مشهوری چون رونالدو و مسی اشاره کنیم.

هر چیزی که برای انسان مهیا شود، اعم از زندگی سالم با همسری همراه، سلامتی، خانه، وسیله زندگی و فرزندان خوب، همه از فضل خداست و اعتقاد به این نگاه، خود موجب کسب رزق و روزی می‌شود. آسیب‌های تک‌فرزندی در وهله اول از لحاظ بار عاطفی و روانی است که متوجه خود فرزند می‌شود و در مرحله بعد آسیب‌هایی است که گریبانگیر خانواده خواهد شد و پس از آن آسیب‌هایی که در اجتماعی کلان چون یک کشور از خود به جای می‌گذارد

آیا علاقه به شغل و نگرانی از دست دادن آن، نه صرفاً از منظر اقتصادی، دلیل خوبی برای مادر نشدن است؟

وقتی که شغل اولویت اول و همسر و فرزندان در اولویت دوم قرار بگیرند، ممکن است یک خانواده دچار مشکلات عدیده‌ای شود که با گذشتن به حالت اول بسیار سخت خواهد شد. خانه‌داری به تنهایی یک هنر ذاتی و منحاقی است و کم‌ارزش نیست. چیزی که باعث شد ناگاه زنان به استقلال تغییر کند و همسر و فرزند در اولویت دوم قرار بگیرد، نوعی از تهاجم فرهنگی است. نقش مؤثر زن در کانون گرم خانواده نشان از اصالتی دارد که دشمن درصدد است با انواع ابزارهای گوناگون ضد فرهنگی آن را کمرنگ و یک زندگی هالیوودی را که ساخته فیلم‌های غربی است جایگزین آن کند. دشمن به دنبال آن است برای رسیدن به هدف غایی خود فرهنگ یک جامعه اسلامی را هدف بگیرد و آن فرهنگ غایی چیزی نیست جز حضور یک زن مقتدر مسلمان در کانون گرم خانواده ایرانی- اسلامی. دشمن برای رسیدن به اهداف خود هویت زنان ما را نشانه می‌گیرد تا آنها را از بطن و متن خانواده جدا کند. پس می‌توان نتیجه گرفت تغییر نوع نگاه زنان به اشتغال و مانع دانستن آن برای مادر شدن متأثر از تهاجم فرهنگی است. بنابراین مسئولان فرهنگی، استادان دانشگاه و فرهیختگان جامعه به ویژه در حوزه زنان باید به نحوی برنامه‌ریزی کنند و یک مسیر مشخص را پیش روی زنان و دختران جوان که وارد بازار کار می‌شوند قرار دهند که حس مادر شدن نصیب آنان شود و سبک زندگی ایرانی- اسلامی در این زمینه تثبیت و ترویج شود، چرا که اگر به این نکته اکتفا شود که کار مانع فرزندآوری است در آینده‌ای نه چندان دور شاهد افول آمار جمعیت جوان و صعود آمار جمعیت سالمند خواهیم بود.

به نظر می‌رسد زوج‌ها در سال‌های نخستین و حتی دهه اول زندگی مشترک، درگیر سرگرمی‌هایی هستند که آنان را از موضوع فرزندآوری غافل می‌کند. در واقع موقعی به فکر می‌افتند که کمی دیر شده و زندگی‌شان درگیر چالش‌هایی شده است. نقش خانواده، رسانه و حوزه آموزش در این زمینه از نظر شما چیست؟

تحلیل اقدامات انجام شده در بستر خانواده، رسانه و حوزه آموزش نشان می‌دهد بیشتر داده‌ها در آغاز زندگی مشترک و فرزندآوری با محوریت تداوم نسل و تشکیل یک خانواده متشکل از زن و مرد و فرزندان، بیشتر به شکل تبلیغات، آن هم به شکل یک چارت مشخص طراحی شده و می‌شود. در این زمینه حتی در محتواهایی که باید برای جامعه با مخاطبان خاص از جمله مسئولان، استادان و نخبگان تنظیم شود، کمترین توجهی به شرایط مخاطب نمی‌شود. شکی نیست که فرزندآوری از کلیدواژه‌های مهم هر جامعه بالاخص کشور ما به شمار می‌رود، اما اگر ندانیم که تأثیر در جامعه هدف نیازمند کار رسانه‌ای است، در اوج و فرود اقدامات متعدد، برخی اقدامات خوب و قابل اجرا هم نادیده گرفته می‌شود و از بین می‌رود. در نتیجه بیش از آنکه به هدف مبتنی منجر شود به هدر رفت سرمایه و حتی نتیجه پوچ و ناثبات می‌انجامد. نقش خانواده در وهله اول توصیف خاطرات گذشته با ذکر مثال از زندگی زوج‌های موفق آشنایان است. یک الگوی مناسب، یک قدم مثبت در این زمینه است و بعد آموزش‌هایی که تبدیل به محور و قانون برای جوانی جمعیت بشوند، البته اکنون با کمبود آموزش و نقشه راه مشخص فرهنگی مواجهه هستیم و تنها راه چاره این است که به صورت گام به گام و با فرهنگسازی از سوی رسانه و افراد متخصص، معضل دوری زوجین از الگوهای تعیین‌شده برای جوانی‌گری از پیری جمعیت سالمند کشورمان حل شود.

آسیب‌های تک‌فرزندی از منظر روان‌شناختی، تربیتی، خویشاوندی و دیگر ابعاد برای فرزند و والدین، از نگاه شما چیست؟

آسیب‌های تک‌فرزندی در وهله اول از لحاظ بار عاطفی و روانی است که متوجه خود فرزند می‌شود و در مرحله بعد آسیب‌هایی است که گریبانگیر خانواده خواهد شد و پس از آن آسیب‌هایی که در اجتماعی کلان چون یک کشور از خود به جای می‌گذارد. معمولاً پرتوقع بودن، مغرور بودن و عزت نفس ناپایدار سهم تک‌فرزند بودن است. شاید برخی‌ها بگویند ما افرادی را می‌شناسیم که تک‌فرزند هستند اما دچار این مشکلات نشده‌اند، اما با قاطعیت باید گفت اکثریت قریب به اتفاق تک‌فرزندها در زندگی با چالش‌های عاطفی و روان‌شناختی مواجه می‌شوند که شاید به وقت ورود در جامعه از خود بروز دهند. تک‌فرزندی تبعات خاص خود را دارد. موجب می‌شود والدین همه عواطف خود را فقط برای او هزینه کنند که در این صورت کودک، تنها والدین خود را دیده و تجربه داشتن خواهر یا برادر، را نخواهد داشت. مضاف بر این، روان‌شناسان معتقدند نباید بچه‌های مهد کودک جایگزین خواهر یا برادر شوند، زیرا تک‌فرزندها مستری و گوشه‌گیر خواهند شد. بسیاری از تجربیات کودک مربوط به تعاملات آنها با خواهر یا برادرشان است و بالین چراغ راه دنیای پیرامون خود را نیز بهتر می‌شناسند. کودکی که با خواهر و برادر خود دوست و همراه می‌شود در لحظه لحظه عمر خود او را مشاهده می‌کند و گاهی الگومی گیرد یا با همچون فرزندی است که خواهر و برادری ندارد و در تنهایی به سر می‌برد؛ تنهایی برای کودکی که تک‌فرزند هستند یک معضل است و بعضاً مادر و پدرشان نیز شاغل هستند. تربیت فرزندی که به تنهایی خو کرده و با دیدن همپس و سال‌های خود در مدرسه دچار دوگانگی رفتاری می‌شود، متأثر از نوع نگاه خانواده‌ای است که تصمیم‌شان به تک‌فرزند داشتن بوده است. در این مسیر فرزند در بیرون از خانه یک رفتار معلم‌ها و همدوره‌ای‌هایش می‌بیند و در خانه یک رفتار متفاوت از مادر و پدرش.

نگاه دینی، معنوی و معرفتی به فرزندآوری به این تعبیر ساده «فرزند روزی خود را می‌آورد، چون روزی دست خداست» از چه ابعادی قابل تبیین و بررسی است؟

در این سال‌ها و با وجود تجربه‌های کشورهای برفدرت بر کشورمان بر حتی زوج‌هایت شرایط اقتصادی نگرانی دوچندانی را حس می‌کنند و با یک حساب سرانگشتی به این نتیجه می‌رسند اگر در آمد ماهانه‌مان کفاف یک زندگی سه نفره یا چهارنفره را ندهد، چطور از پس مشکلات‌شان برآیند. تنها جواب و مبارک باشد گفت کلید این دل نگرانی و دلمشغولی رزق و روزی است. اعتقاد به رزق و روزی فرزندان، نگاهی فراتر از خورد و خوراک و پوشاک است. در واقع هر چیزی که برای انسان مهیا شود، اعم از زندگی سالم با همسری همراه، سلامتی، خانه، وسیله زندگی و فرزندان خوب، همه از فضل خداست و اعتقاد به این نگاه، خود موجب کسب رزق روزی می‌شود، اما وضعیت ناپایدار و ترس مدام موجب آسیب‌هایی روحی و روانی خواهد شد. پس ایمان بیاوریم به اینکه رزق و روزی از آن خداست و با حرکت و تلاش انسان، قطعاً مهیا خواهد شد.

آسیب‌های تک‌فرزندی از منظر روان‌شناختی، تربیتی، خویشاوندی و دیگر ابعاد برای فرزند و والدین، از نگاه شما چیست؟

آسیب‌های تک‌فرزندی در وهله اول از لحاظ بار عاطفی و روانی است که متوجه خود فرزند می‌شود و در مرحله بعد آسیب‌هایی است که گریبانگیر خانواده خواهد شد و پس از آن آسیب‌هایی که در اجتماعی کلان چون یک کشور از خود به جای می‌گذارد. معمولاً پرتوقع بودن، مغرور بودن و عزت نفس ناپایدار سهم تک‌فرزند بودن است. شاید برخی‌ها بگویند ما افرادی را می‌شناسیم که تک‌فرزند هستند اما دچار این مشکلات نشده‌اند، اما با قاطعیت باید گفت اکثریت قریب به اتفاق تک‌فرزندها در زندگی با چالش‌های عاطفی و روان‌شناختی مواجه می‌شوند که شاید به وقت ورود در جامعه از خود بروز دهند. تک‌فرزندی تبعات خاص خود را دارد. موجب می‌شود والدین همه عواطف خود را فقط برای او هزینه کنند که در این صورت کودک، تنها والدین خود را دیده و تجربه داشتن خواهر یا برادر، را نخواهد داشت. مضاف بر این، روان‌شناسان معتقدند نباید بچه‌های مهد کودک جایگزین خواهر یا برادر شوند، زیرا تک‌فرزندها مستری و گوشه‌گیر خواهند شد. بسیاری از تجربیات کودک مربوط به تعاملات آنها با خواهر یا برادرشان است و بالین چراغ راه دنیای پیرامون خود را نیز بهتر می‌شناسند. کودکی که با خواهر و برادر خود دوست و همراه می‌شود در لحظه لحظه عمر خود او را مشاهده می‌کند و گاهی الگومی گیرد یا با همچون فرزندی است که خواهر و برادری ندارد و در تنهایی به سر می‌برد؛ تنهایی برای کودکی که تک‌فرزند هستند یک معضل است و بعضاً مادر و پدرشان نیز شاغل هستند. تربیت فرزندی که به تنهایی خو کرده و با دیدن همپس و سال‌های خود در مدرسه دچار دوگانگی رفتاری می‌شود، متأثر از نوع نگاه خانواده‌ای است که تصمیم‌شان به تک‌فرزند داشتن بوده است. در این مسیر فرزند در بیرون از خانه یک رفتار معلم‌ها و همدوره‌ای‌هایش می‌بیند و در خانه یک رفتار متفاوت از مادر و پدرش.

نگاه دینی، معنوی و معرفتی به فرزندآوری به این تعبیر ساده «فرزند روزی خود را می‌آورد، چون روزی دست خداست» از چه ابعادی قابل تبیین و بررسی است؟

در این سال‌ها و با وجود تجربه‌های کشورهای برفدرت بر کشورمان بر حتی زوج‌هایت شرایط اقتصادی نگرانی دوچندانی را حس می‌کنند و با یک حساب سرانگشتی به این نتیجه می‌رسند اگر در آمد ماهانه‌مان کفاف یک زندگی سه نفره یا چهارنفره را ندهد، چطور از پس مشکلات‌شان برآیند. تنها جواب و مبارک باشد گفت کلید این دل نگرانی و دلمشغولی رزق و روزی است. اعتقاد به رزق و روزی فرزندان، نگاهی فراتر از خورد و خوراک و پوشاک است. در واقع هر چیزی که برای انسان مهیا شود، اعم از زندگی سالم با همسری همراه، سلامتی، خانه، وسیله زندگی و فرزندان خوب، همه از فضل خداست و اعتقاد به این نگاه، خود موجب کسب رزق روزی می‌شود، اما وضعیت ناپایدار و ترس مدام موجب آسیب‌هایی روحی و روانی خواهد شد. پس ایمان بیاوریم به اینکه رزق و روزی از آن خداست و با حرکت و تلاش انسان، قطعاً مهیا خواهد شد.

باعلم‌به‌همه‌مشکلات‌معیشتی‌اقتصادی و شغلی‌چه‌کسی‌می‌تواند برکات و آثار فرزندآوری را انکار کند؟ یا کسی موافق نباشد خانواده‌هایی که از نعمت وجود فرزند برخوردارند، بیشتر از خانواده‌هایی که از نعمت وجود فرزند بدون فرزند را زندگی خود لذت می‌برند؟

جعفر شاهرخی

اغلب جوامع با وجود تغییرات ناشی از مدرنیته به فرزندآوری اهمیت می‌دهند

ازدواج و تشکیل خانواده، پیمانی مقدس و آسمانی است که مابین زن و شوهر بر اساس فطرت الهی و دستور خداوند صورت می‌پذیرد و نوعی تکامل روانی و زمینه ساز نیل به تمامیت شخصیت است. بهترین تعبیر از ازدواج را در آیه ۱۰ سوره روم می‌توان یافت که از نشانه‌های آن این است که «همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنها آرامش یابید و در میان شما مودت و رحمت قرار داد».

زندگی مشترک گرچه در آغاز غالباً از میل جنسی ریشه می‌گیرد اما به تدریج به نوعی همبستگی عمیق روحی، عاطفی و اقتصادی بین زوجین منتهی می‌شود که از آن به پیوند زناشویی تعبیر می‌شود این پیوند انجیزان از اهمیت برخوردار است که زمینه‌سازنیازهای نخستین محیط زندگی نوزاد انسانی است که بر جسم، روح، اندیشه، عمل و آینده او اثر می‌گذارد.

مهم‌ترین اهداف ازدواج رسیدن به سکون و آرامش، شکوفایی احساسات، حفظ نوع و نسب، جلوگیری از انحرافات اخلاقی، بیماری‌ها و تکامل است که نیل به آنها با تولد فرزند تسهیل شده و امکانپذیر است. با تجرد، خانواده‌ای تشکیل نمی‌شود و با عدم تشکیل خانواده، به تدریج از ارزش آن کاسته و به تبع آن، زمینه آسیب‌های اجتماعی فراهم می‌شود.

مقوله ازدواج و فرزندآوری به رغم تغییرات سریع و وسیع همچنان در بیشتر کشورها مورد توجه قرار دارد، با این حال ورود به این دوره مدرن زندگی، شهرنشینی، مهاجرت و اشتغال زن به دلیل تخصص یا اجبار ناشی از تنگناهای اقتصادی و معیشتی، زمینه را برای تغییر سبک زندگی برخی خانواده‌ها فراهم ساخته است، به گونه‌ای که بعضی‌ها را در اهمیت داشتن فرزند با تردید روبه‌رو کرده است و عدم تمایل به داشتن فرزند را درست یا غلط، نگرانی از آینده او به خاطر شرایط اقتصادی، سیاسی و تربیتی می‌دانند.

با این حال، با علم به همه مشکلات معیشتی، اقتصادی و شغلی چه کسی می‌تواند برکات و آثار فرزندآوری را انکار کند؟ یا کسی موافق نباشد خانواده‌هایی که از نعمت وجود فرزند برخوردارند، بیشتر از خانواده‌های بدون فرزند از زندگی خود لذت می‌برند؟ وجود فرزند در حوزه‌های مختلف و جای جای زندگی از جمله علم به مشکلات، سلامت روحی و جسمی والدین و قوام خانواده نقشی بسیار مؤثر دارد. جمعیت خانواده را یکی از پایه‌های اصلی قدرتمندی هر خانواده می‌دانند و قطعاً رشد جمعیت خانواده، به جوانی، خلاقیت و رشد جامعه می‌انجامد.

فرزندآوری حلقه‌ای از زنجیره تداوم حیات و بیانگر تمایل والدین به جاودانگی است. تولد نوزاد نشانه‌ای از معجزه عشق است؛ عشقی بین والدین که پیوند آنها را مستحکم‌تر می‌کند.

واقعیت این است که هنوز سبک زندگی ایرانی- اسلامی فرزند را عامل اقتدار و بازوی توانا برای والدین در شرایط سخت زندگی معرفی می‌کند. امام(ص‌ا‌ع) فرموده‌اند: از برکات ازدواج، اندوختن فرزند برای روبارویی با سختی‌های روزگار و پیامدهای زمانه است.

در خاتمه باید گفت: نمی‌شود بدون بسترسازی لازم برای تجربه فرم زندگی در سایه بهبود شرایط اقتصادی و روانی و در نهایت نگرش صحیح و منطقی اجتماعی، انتظار تغییر رفتار را داشت. حتماً و بدون شک تغییر رفتار در پی تغییر نگرش صورت می‌پذیرد و این مهم بار مسئولیت متولیان را سنگین‌تر می‌کند.

● جامعه‌شناس

واگویه‌های یک مادر ۵۳ساله

حسرت خواهر و برادر بر دل تک‌فرزندمان ماند

شکوفه از نداشتن خواهر و برادر به شدت گلایه‌مند و از تنهایی آسیب خورده است. تنهایی یعنی نداشتن مونس و همدم، یعنی نبود هم‌صحبت. بارها و بارها شکوفه به من و پدرش گفته کاش یک نفر جز شما بود می‌توانستم با او دردل و از طریق او حرف‌هایم را به شما منتقل کنم

مینو ۵۳ساله است. خیاط ماهری است و مزون لباس دارد. به لحاظ مادی از شرایط خانوادگی مطلوبی برخوردار است. همسرش هم جزو کسبه بازار است. شکوفه تک‌دختر مینو است. او نیز یک صفحه فعال فروش مجازی لوازم‌التحریر دارد و درآمد خوبی از این زمینه کسب می‌کند. تقریباً سه سالی می‌شود که ازدواج کرده است و همواره در همه مجالس می‌گوید من چندین فرزند می‌خواهم، چون خودم تک‌فرزند هستم نمی‌خواهم بچه‌هایم تنها باشند. اما آنچه در ادامه می‌خوانید گفته‌های مینو، مادر شکوفه در سن ۵۳سالگی است. تک‌فرزندی هم به خودم هم به شکوفه خیلی آسیب زد، از تنهایی گرفته تا سایر موضوعات که گذشت زمان، بیشتر تر این است که این تجملات و بریز و بپاش برای خانواده همسر او و حتی همسرش انتظارات نابجایی رقم زد. ما این پروسه تجملات و ریخت و پاش را حتی در تهیه جهیزیه هم شاهد بودیم. این ماجرا تمامی نداشت و همچنان هم ادامه دارد. البته انتظارآتی از طرف ما شکل گرفت. خب ما بعد از رفتن شکوفه به شدت تنها شدیم. توقع داشتیم هر روز و هر شب کنارمان باشد و بیشتر رفت و آمد کند، اما غافل از اینکه او نیز زندگی و درگیری‌های خودش را دارد. خلاصه که اهل نصیحت و این طور صحبت‌ها نیستم اما اگر هدف شما رساندن پیام آسیب تک‌فرزندی است، باید بگویم خیلی آسیب دارد لحظه به لحظه در رشد فرزند آسیب است و در نهایت زن و شوهر تنها گویی از همه اطرافیان عقب هستند. من و همسرم بی‌شباهت به افرادی نیستیم که افسرده هستند و هر دو سر خود را با کار گرم کرده‌ایم.

نیلشی، آخرش به فکر اولش می‌افتی اما گاهی دیگر امکان بازگشت برای از اول زندگی کردن یا درست زندگی کردن نیست. آن زمان هیچ کس به من نگفت «همیشه همین طور نمی‌ماند». فاعدتاً فرزند داشتن سخت است و مدیریت چند فرزند سخت‌تر اما امروز احساس شکست می‌کنم. ما خیلی سعی کردیم شکوفه پرتوقع نباشد اما ناخواسته این توقع ایجاد شد. این موضوع سر ازدواج شکوفه بیش از هر زمانی خودنمایی کرد. شکوفه از ما توقعات عجیبی داشت و باعث شد در گیر تجملات شویم در حالی که ابداً چنین هدفی نداشتیم اما این عین جمله شکوفه بود که «شما که فرزند دیگه‌ای ندارید، پس هر چه هست را برای خودم خرج کنید». جالب تر این است که این تجملات و بریز و بپاش برای خانواده همسر او و حتی همسرش انتظارات نابجایی رقم زد. ما این پروسه تجملات و ریخت و پاش را حتی در تهیه جهیزیه هم شاهد بودیم. این ماجرا تمامی نداشت و همچنان هم ادامه دارد. البته انتظارآتی از طرف ما شکل گرفت. خب ما بعد از رفتن شکوفه به شدت تنها شدیم. توقع داشتیم هر روز و هر شب کنارمان باشد و بیشتر رفت و آمد کند، اما غافل از اینکه او نیز زندگی و درگیری‌های خودش را دارد. خلاصه که اهل نصیحت و این طور صحبت‌ها نیستم اما اگر هدف شما رساندن پیام آسیب تک‌فرزندی است، باید بگویم خیلی آسیب دارد لحظه به لحظه در رشد فرزند آسیب است و در نهایت زن و شوهر تنها گویی از همه اطرافیان عقب هستند. من و همسرم بی‌شباهت به افرادی نیستیم که افسرده هستند و هر دو سر خود را با کار گرم کرده‌ایم.

چالش فرزندآوری و تردیدهایی که ریشه در نگرش ما دارد

اگر بچه نه، پس چه؟!

حسین گل‌محمدی

دقت کرده‌اید؟ تقریباً همه ما اکثر مواقع با بچه‌ها و اساساً با واژه، مفهوم و پدیده بچه طوری برخورد می‌کنیم که گویی این مقوله فرسنگ‌ها با ما فاصله دارد و دنیایی متفاوت است. اتاق نه انگار ۲۰-۱۰سال پیش، ۴۰-۳۰سال پیش، خودمان بچه بودیم و دوران نوزادی، طفولیت و کودکی را گذراندیم و بعد نوجوان، جوان و بزرگسال شدیم. یادمان می‌رود که حتی هم‌اکنون در هر سنی که هستیم، ماهیتاً نوزادی و بچگی را نیز در خود داریم. نکته جالب‌تر اینکه نمی‌توانیم با هیچ دلیلی، متولد نشدن، عدم و نبودن این بچه(خودمان) را در عالم هستی تصور کنیم و اگر بر فرض به ابتدای ولادت‌مان برگردیم، با وجود هزارویک مشکل در زندگی والدین‌مان- خانه ۴۰متری اجاره‌ای و در آمد اندک پدر و نداشتن وسیله نقلیه- بازهم تولد و حضور این بچه(خودمان) را قابل توجیه و بلکه خیلی هم ضروری و انگیزه‌بخش می‌دانیم که موجب برکت و حرکت، شادی و آبادی در زندگی والدین‌مان شده است و هرچه امروز دارند از برکت وجود ما بوده است. اما حالا که نوبت ما رسیده، موضوع «بچه» و «بچه‌داشتن» خودمان که پیش می‌آید، هزار و یک دلیل فلسفی و روان‌شناسی، اقتصادی و اجتماعی، فرهنگی و معرفتی(!) می‌آوریم که ثابت کنیم بچه‌دارشدن در شرایط کنونی- دقت کنید! در شرایط کنونی که قطعاً اوضاع به مراتب بهتر و مساعدتر از اوضاع دوران طفولیت و کودکی خودمان است- اصلاً کار درستی نیست. از همه اینها که بگذریم یک نیست از ما بپرسد اگر بچه بد است، چرا وقتی به خانه دوست و آشنا می‌رویم از تماشای نورسیده آنان دل‌مان غنچ می‌شود، از بغل کردنش سیر نمی‌شویم و تازه کادوی آنچنانی برای‌شان می‌بریم و هزاربار تبریک می‌گوییم؟!

اوضاع زمانی پیچیده می‌شود که بعضی از ما از بکسو هزینه کلان بچه را بهانه می‌کنیم و از سوی دیگر ۱۰برابر آن را صرف خرید و نگهداری سگ و گربه می‌کنیم! و بازهم اوضاع زمانی پیچیده‌تر از پیچیده می‌شود که همه چیز خوب شده و همه بهانه‌ها خنثی می‌شود و حتی دیگر هیچ انگیزه همچان‌انگیزی در زندگی مشترک نداریم و همه چیز- سفر و گردش و تفریح و میهمانی و وسایل لوکس و خانه- تکراری شده است و کم کم تار موهای سفید نیز خودش را نشان می‌دهد! ما هنوز هم داریم با خودمان کلنجار می‌رویم و در برابر خواسته‌ی درونی‌مان مقاومت می‌کنیم... و اینجاست که یکی باید بی‌تعارف و صادقانه در برابرمان بایستد و این سؤال را از ما بپرسد که «اگر بچه نه، پس چه؟!»

چگونه می‌توان فرزندآوری را به لحاظ اجتماعی و فرهنگی تشویق و تبیین کرد؟

تاقبل از گسترش رسانه‌ها، بحث فرزندآوری در اولویت بود اما بعد از شیوع رسانه‌ها

سمیه سرافراز، جامعه‌شناس:

زن ایرانی ثابت کرده در عین فعالیت اجتماعی می‌تواند مادری نمونه باشد

سمیه سرافراز، دکترای جامعه‌شناسی معتقد است: فرزندآوری جامع و کلان‌تر از فرزندخواهی است و باید به یک موضوع فراموش‌ناپذیر تبدیل شود تا دچار چندبارگی و در نهایت تضعیف تشکیل خانواده نشود، موانع اقتصادی آن برطرف شود و با امر به معروف و نهی از منکر روابط و افکار متعهدانه در زن و مرد ایجاد شود و از همه مهم‌تر نیروی بالقوه قوی زنان با معرفی مادران موفق بیدار شود تا زن بداند با تولد و آموزش یک فرزند و پرورش او می‌تواند جامعه‌ای را متحول کند و ملتی را نجات دهد، بنابراین لازم است به جای معرفی یک ورزشکار نمونه و یک کارمند نمونه مادران آنها را معرفی کنیم. به گفته وی برای رسیدن به این مهم باید کارگروه‌ها و نشست‌های عمومی در مکان‌هایی مانند مدارس و مساجد برپا شود و در کنار رسانه‌های دیگر بای کار باشند و تلاش کنند این فضا مادران به عنوان محرک، انرژی‌های درونی مخاطبان خود را بیدار و ما را به هدف‌مان نزدیک کنند. متن زیر حاصل گفت و گوی ما با وی است که از نظرتان می‌گذرد.

در شروع گفت‌وگو بفرمایید فرزندآوری یا فرزندخواهی، اولویت با کدام است؟

این دو واژه، باقطبع از هم جداست. فرزندآوری فراتر از فرزندخواهی است و یک پروسه است ولی فرزندخواهی شخصی‌تر و درون خانوادگی است. فرزندآوری نیازمند ساختارهای اجتماعی و سیاسی است و فرزندخواهی نیازمند این است که خانواده ساختار درون خانوادگی داشته باشد. فرزندآوری به مجموعه کلان جامعه ولی فرزندخواهی فقط به مجموعه یک خانواده برمی‌گردد، بنابراین این دو مفهوم جداست ولی یکدیگر را نفی نمی‌کنند و جایگزین هم نمی‌شوند. فرزندآوری جامع‌تر و کلان‌تر است و دربرگیری بیشتری دارد.

چرا انگیزه فرزندآوری میان زوج‌های جوان کم شده و رنگ باخته است؟ آیا صرفاً مسائل اقتصادی دخیل است یا مجموعه‌ای از عوامل؟

این مسئله به خیلی از ساختارهای جامعه از جمله به سیاست‌های متضادی که در این چند سال شکل گرفته است برمی‌گردد. به یک سیاست کلان حاکمیتی داریم که مبنای آن اسلام و فقه اسلامی است. اسلام هیچ وقت خانواده، ازدواج و فرزندآوری را نفی نکرده و نمی‌کند بلکه تشویق هم می‌کند. خانواده سالم جامعه سالم را ایجاد می‌کند و در اثر جامعه سالم تمدن نوین اسلامی را شکل می‌دهد، بنابراین خانواده بسیار کلان است ولی دولت‌های متفاوتی که لازم می‌دانند به صورت شفاف و روشن سیاستگذاری کنند و آن را توضیح دهند، با ایجاد سیاست‌های متضاد، شکاف خانواده را تغییر دادند، بنابراین در وهله اول موضوع خانواده باید یک موضوع فراقوه‌ای دیده شود تا اساس کار با شعارهای مختلف در دولت‌های مختلف تغییر نکند و دچار چندپارگی نشود. این موضوع باید یک مسیر مشخص که همیشه در حال تکامل است، باشد تا مردم بر اساس آن زندگی شان را بسازند، البته از مسائل اقتصادی نمی‌توان چشم‌پوشی کرد. خانواده وقتی شکل می‌گیرد به رفاه اولیه فکر می‌کند، بنابراین طبق سیاست‌های دولت تصمیمات خود را می‌گیرد. اگر ازدواج آسان و زمینه‌های فرزندآوری فراهم شود- آن وقت مردم می‌توانند تصمیم بگیرند و سرنوشت زندگی شان را بسازند، این هم بر می‌گردد به همان مطلبی که در ابتدای پاسخ به سؤال گفتم، نباید سیاست دولت‌ها تعیین کنند، اما در این سال‌ها شاهدیم دولتی طی دوره هشت ساله خود کل سیاست‌ها را تغییر می‌دهد که همه چیز خوب شده و همه بهانه‌ها خنثی می‌شود و حتی دیگر هیچ انگیزه همچان‌انگیزی در زندگی مشترک نداریم و همه چیز- سفر و گردش و تفریح و میهمانی و وسایل لوکس و خانه- تکراری شده است و کم کم تار موهای سفید نیز خودش را نشان می‌دهد! ما هنوز هم داریم با خودمان کلنجار می‌رویم و در برابر خواسته‌ی درونی‌مان مقاومت می‌کنیم... و اینجاست که یکی باید بی‌تعارف و صادقانه در برابرمان بایستد و این سؤال را از ما بپرسد که «اگر بچه نه، پس چه؟!»

چگونه می‌توان فرزندآوری را به لحاظ اجتماعی و فرهنگی تشویق و تبیین کرد؟

تاقبل از گسترش رسانه‌ها، بحث فرزندآوری در اولویت بود اما بعد از شیوع رسانه‌ها چه در حوزه شبکه‌های اجتماعی و چه در حوزه ماهواره‌ها و به دنبال آن هجوم مطالب، فیلم‌ها و محتواهایی با هدف ضربه به خانواده‌های ایرانی، فضایی را فراهم کرد که باعث شد افراد از قدرت تصمیم‌گیری خارج شوند و مقایسه زندگی‌ها شروع شد. در این برهه باید همه رسانه‌های داخلی شروع به شفاف‌سازی و آموزش خانواده‌ها می‌کردند. مصاحبه با کسانی که در کشورهای مختلف با وجود سختی‌های زیاد فرزندآوری برای‌شان اهمیت داشت و در کنار آن بیان بی‌تعهدی‌های اجتماعی از جمله بی‌مسئولیتی افراد و آسیب رابطه‌های سفید می‌توانست مفهوم و قدر و منزلت تشکیل خانواده و فرزندآوری را شفاف‌سازی کند. این موارد بخشی به سیاستگذاری‌های دولت، بخشی به آموزش و بخشی هم به فرهنگ عمومی مردم برمی‌گردد. در این سال‌ها فرهنگ عمومی به خاطر هجوم شبکه‌های اجتماعی دچار لطمه شده است. اینکه به جوانان القا می‌کردو قتی می‌توانند تعدد روابط داشته باشند یا این حتی به عنوان یک شغل برای بعضی از آنها تعریف می‌شد، پس چرا خودشان برابر آن رابطه‌های متعهدانه کنند؟! اینک دولت است که باید از خود مردم کمک بگیرد. ما فکر می‌کنیم امر به معروف و نهی از منکر تنها در حوزه پوشش و دعوت به خیر است، در حالی که بخش مهمی از آن در حوزه روابط و افکار متعهدانه‌ای است که باید در زن و مرد ایجاد شود. اینکه هر کسی خودش را متعهد بداند باید اسلامی را به جامعه بیاورد، پرورش دهد تا فردی مفید برای کشور شود، نگاهی است که جامعه را از هر لحاظ رشد می‌دهد. در این راستا دولت باید کمک کند با ایجاد گروه‌ها و نشست‌هایی عمومی بین مردم، این فرهنگ متعهدانه را جابیندازد. به عنوان مثال کشورمان حوزه‌ای به نام مفاخر و مشاهیر ایرانی مانند حکیم نظامی دارد ولی هیچ استفاده‌ای از این ظرفیت برای معرفی آنها نمی‌شود. این در حالی است که این روزها دختران و پسران علاقه زیادی به فضاهای عاشقانه دارند و دوست دارند در فضاهای مجازی رابطه‌های عاشقانه داشته باشند. اگر برای آنها از روابط سالم عاشقانه سالم مطلب گذاشته شود، از همین روابط سالم به ازدواج می‌رسیم و بعد فرزندآوری، ولی چقدر از عاشقانه‌های حکیم نظامی مثل شیرین و فرهاد یا خسرو و شیرین گفته‌ایم؟! این بخش باید در شبکه‌های مجازی پخش شود. از طرفی باید از مادران نزدیک به دوران زندگی‌مان و آنهایی که تاریخ‌سازان کشورمان بوده و هستند، یاد کنیم. مثلاً کنار بخش شیرینی در اعیاد شعبانیه از مادری بگوییم که با تمام سختی‌ها چند دختر و پسر را بزرگ کرده و ثمره آن یک دانشمند، یک پزشک یا یک